



سال هشتم • پاییز و زمستان ۱۴۰۱ • شماره ۱۷

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 8, No. 17, Autumn & Winter 2023

نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی

* محمد مهدی صفورایی پاریزی

** احمد رضا فامیل دردشتی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه مرزهای خانواده و طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی اجرا شده است. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. برای این منظور ۱۴۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به سه پرسش‌نامه مرزهای خانواده اسلامی، رضایت زناشویی و طلاق عاطفی پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها به روش چهارمرحله‌ای بارون و کنی با استفاده از رگرسیون خطی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد: الف. میان متغیرهای مرزهای خانواده و طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ ب. میان مرزهای خانواده و رضایت زناشویی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ ج. میان رضایت زناشویی و طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ د. رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی نقش میانجی دارد؛ بنابراین سامان‌دهی مرزهای خانواده، با محوریت افزایش رضایت زناشویی، با کاهش طلاق عاطفی همراه است و نتیجه نهایی این ساماندهی و کارآمدی، تحکیم پایه‌های خانواده خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مرزهای خانواده، رضایت زناشویی، طلاق عاطفی، کارآمدی.

* دانشیار روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) safurayi@gmail.com

** دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

مقدمه

خانواده سلول اصلی سازنده اجتماع و نخستین نهاد اجتماعی است که سلامت و بقای جامعه بر سلامت و پویایی آن متوقف است (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ برزین و بهرامی، ۱۳۹۶). در چند دهه اخیر و با پیدایش و شکوفایی نظریه‌های خانواده، اهمیت و تأثیر سرنوشت‌ساز خانواده در ایجاد، تقویت و استمرار سلامت و آسیب روانی انسان‌ها بیش از پیش برجسته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). در قرآن کریم و سخنان پیشوایان اسلام ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که محبوب‌ترین بنای انسانی نزد پروردگار، بنای خانواده (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶)^۱ و گرایش زن و مرد به یکدیگر در چارچوب ازدواج از نشانه‌های حکمت و لطف پروردگار معرفی شده است (روم: ۲۱).^۲ خانواده در نگاه اسلام، کانونی پاک و پاک‌کننده همسران از آلودگی‌ها و عیوب به شمار آمده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷)، چراکه با ارضای مطلوب نیازها، عیوب همسران پوشیده شده (بقره: ۱۸۷)^۳ و از آلودگی‌های اخلاقی و شخصیتی مصون می‌مانند.

امروزه یکی از مسائلی که نگرانی دولت‌ها را موجب شده، فراوانی چشمگیر طلاق در جوامع پیشرفته و در حال توسعه است (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). بخش سترگی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به واکاوی علل و زمینه‌های بروز طلاق اختصاص دارد. طلاق پدیده‌ای است که در صورت فراگیر شدن می‌تواند به بحران اجتماعی انسانی تبدیل شود و به جامعه آسیب‌های فراوان وارد کند. این موضوع، خصوصاً در جامعه اسلامی، به سبب چارچوب‌های خاص فرهنگی، مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند. از این‌رو طلاق، در نظر اسلام، مبعوض‌ترین حلال معرفی شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷).^۴

محققان معتقدند طلاق رسمی همواره حلقه نهایی فرآیندی است که روابط درون خانواده را به سوی جدایی کامل می‌کشاند. این فرآیند از اختلافات کم‌اهمیت، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها،

۱. رسول الله ﷺ: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله واعز من التزویج».

۲. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها».

۳. «هن لباس لکم و انتم لباس لهن».

۴. رسول الله ﷺ: «ما احل الله شیئاً ابغض الیه من الطلاق». البته در صورتی که طلاق، بر اساس موازین عقلانی، اخلاقی و شرعی صورت گیرد، شریعت مطهر از آن دفاع کرده و به زن و مرد جداشده بی‌نیازی به وسیله فضل خداوند را وعده داده است (نساء: ۱۳۰).

آغاز، و در ادامه به جدایی زوجین از هم یا بی میلی یکی از زوجین یا هر دو به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکراری، خستگی زوجین از زندگی و طلاق عاطفی منتهی می‌شود و در نهایت طلاق رسمی و جدایی همیشگی را رقم می‌زند (صباغی و همکاران، ۱۳۹۶). افزایش ناسازگاری‌ها، همسران را در کشمکش دو جانبه و فرسایشی گرفتار می‌کند و با وجود همزیستی فیزیکی، رابطه‌شان آرام آرام به افزایش فاصله‌ها و طلاق عاطفی کشیده می‌شود (موسوی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴).

طلاق عاطفی پدیده ارتباطی نابهنجاری در نظام خانواده است. در این الگوی مرضی، اگرچه زوجین در کنار هم و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و طلاق رسمی اتفاق نمی‌افتد، اما زندگی‌شان به رابطه‌ای پوچ، بی معنا، فاقد عشق، صمیمیت و دوستی تبدیل می‌شود (همان). طلاق عاطفی در رابطه‌ای به وجود می‌آید که همسران در احساسات، نیازها، اهداف و ارزش‌های یکدیگر مشارکت نمی‌کنند. در این الگوی مرضی، خانواده، ساختار بیرونی‌اش را حفظ می‌کند، ولی از درون تهی می‌شود. طلاق عاطفی مهم‌ترین تهدید علیه ساختار خانواده است. از این رو شناخت زمینه‌ها، عوامل و علل ایجاد آن بسیار مهم ارزیابی می‌شود (بالاگیری و حسینی، ۱۳۹۸). طلاق عاطفی گاه جایگزین طلاق رسمی قرار می‌گیرد و زوجین به سبب موانعی برای رفتن به سمت طلاق رسمی، از طلاق عاطفی برای رهاشدن از فشار روانی ناشی از ناراضماندی زناشویی استفاده می‌کنند. کودکان در خانواده‌هایی که دچار تعارض و طلاق عاطفی‌اند، در معرض انواع مشکلات رفتاری و عاطفی قرار دارند (همان).

تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل گوناگون اجتماعی و روان‌شناختی بر پدیدآمدن طلاق عاطفی مؤثر است. قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) با مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته، عوامل زمینه‌ساز فرهنگی طلاق را که عمدتاً به طلاق عاطفی و پس از آن به طلاق رسمی منجر می‌شود، در چهار زیرمجموعه طبقه‌بندی کرده‌اند: الف. پای‌بندنبودن به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی (در ارتباط با جنس مخالف)؛ ب. پای‌بندنبودن به ارزش‌های اجتماعی (افزایش توقعات، انحرافات جنسی و نارضایتی جنسی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، تأثیر منفی رسانه‌ها، و وجود باورهای نادرست در فرد)؛ ج. ناهنجاری‌های فرد و خانواده (فقدان مهارت‌های لازم برای مسئولیت‌پذیری خانوادگی، فقدان مهارت جنسی، نداشتن مهارت در حل مشکل و تعارض‌های زوجینی، ...). و د. تفاوت در خرده‌فرهنگ‌ها (همگن‌نبودن زوجین در مسائل وابسته به فرهنگ). صباغی و همکاران (۱۳۹۶) مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی طلاق عاطفی را در چهار دسته آسیب‌های روانی و اخلاقی،



عاطفی و جنسی، اقتصادی و فناوری اطلاعات دسته‌بندی کرده‌اند. این تحقیق و تحقیقات همسو نشان می‌دهد که هر کدام از این آسیب‌ها می‌تواند سطحی از اختلال کارکردی را در زندگی مشترک ایجاد کند و رابطه همسران را به سمت طلاق عاطفی سوق دهد. باستانی و همکاران (۱۳۸۹) با اذعان به پیچیدگی عوامل و روابط موجود در پدیده طلاق عاطفی، دخالت نابجای خانواده‌های اصلی، نارضایتی از خانواده‌های اصلی، ناهماهنگی خانواده‌های اصلی و شیوه تربیتی نادرست را مهم‌ترین شرایط طلاق عاطفی دانسته‌اند.

مرزهای خانواده خطوطی فرضی (روانشناختی) است که میان نظام خانواده با نظام‌های تودرتوی بیرونی و نیز میان زیرنظام‌های درونی خانواده و اعضای آن ایجاد شده و سازمان‌دهی تعاملات و تبادلات اعضا و زیرنظام‌ها با یکدیگر و با نظام‌های بیرونی را موجب می‌شود (هوشیاری، ۱۳۹۹). خانواده‌ها کارکردهای اصلی خود را تا حدودی از طریق سازمان‌یابی در قالب زیرنظام‌های هم‌زمانی که اغلب آرایش مرتبه‌ای دارند تحقق می‌بخشند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۲). مرز به عنوان دومین مؤلفه در ساختار و نظام خانواده به گونه‌های خاصی از ارتباط میان‌فردی اشاره دارد که به صورت منظم و مشخص میان اعضا و زیرنظام‌ها جریان دارد و تعیین می‌کند چه کسی، جزء چه زیرنظامی است و چگونه باید در خدمت حفظ نظام و تحقق اهداف آن باشد (همان: ۷).

نظریه‌پردازان ساخت‌نگر بر کلیت نظام خانواده، تأثیر سازمان مرتبه‌ای خانواده و کارکرد به‌هم‌پیوسته زیرنظام‌های آن تأکید دارند و این امور را تعیین‌کننده اصلی کیفیت بهزیستی اعضا می‌دانند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸). مهم‌ترین زیرنظام خانواده، زیرنظام همسری است که از یک زن و مرد تشکیل می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). در رویکرد ساخت‌نگر فرض بر این است که وجود مرزهای معین، مشخص، تصریح‌شده و توافق‌شده میان همسران، که زیر عنوان «مرزهای سالم» قرار می‌گیرد، کنش‌وری مطلوب را موجب می‌شود و خانواده را در رسیدن به اهداف آن و تحقق رضایت‌مندی اعضا هدایت می‌کند؛ در مقابل، «مرزهای ناسالم» موجب اختلال در کنش‌وری خانواده و در نتیجه نارضامندی اعضا می‌شود (همان). مرزهای ناسالم، فاقد ویژگی‌های پیش‌گفته بوده و بیانگر آشفتگی، ابهام، خشکی، نفوذناپذیری و انعطاف‌ناپذیری نامناسب در الگوهای ارتباطی است. این مرزها یا چنان باز است که استقلال، خودمختاری و فردیت اعضا را از بین

می‌برد یا چنان خشک و بسته است که امکان وابستگی متقابل، تعامل اعضا و توان انطباق نظام با تغییرات مراحل گذار را از آن سلب می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۱).

از نگاه مینوچین، یکی از عوامل اختلال در کنش‌وری ارتباطی خانواده، که به اختلال در کارکرد نظام و زیرنظام‌های خانواده منجر می‌شود و نارضایتی اعضا را به وجود می‌آورد، وجود مرزهای ناسالم است. به همین سبب، وی ایجاد مرزهای سالم و پای‌بندی اعضا به آن را مهم‌ترین روش برای ارتباط مطلوب میان اعضا قلمداد می‌کند (مینوچین، ۱۹۷۴، به نقل از شیرزادی و همکاران).

ویژگی‌های ساختار سالم را می‌توان در انعطاف‌پذیری مطلوب و برون‌سازی و مرزسازی انطباق‌یافته خلاصه کرد. از این‌رو مرزها باید روشن، واضح و مشخص باشد، به گونه‌ای که اعضای هر زیرنظام بتوانند نقش خودشان را در چارچوب قواعد ساختاری بدون مزاحمت دیگر زیرنظام‌ها ایفا کنند و در ضمن آن با اعضای دیگر زیرنظام‌ها ارتباط سازنده و متقابل داشته باشند (هوشیاری، ۱۳۹۹). در پژوهش‌های تجربی هم به موضوع مرزهای خانواده و تأثیر آن بر کنش‌وری بهنجار یا نابهنجار خانواده پرداخته شده است. چراغی و همکاران (۱۳۹۴) سطح رضایت از زندگی زوجین را بر اساس کیفیت مرزگذاری و ارتباطشان با دو خانواده اصلی سنجدیده و کیفیت این رابطه را بر سطح رضایت زناشویی مؤثر دانسته‌اند. ملکی‌ها و همکاران (۱۳۹۲) تعارض مدیریت کار - خانه (مرزهای درونی و بیرونی) را بر سطح رضایت زناشویی همسران مؤثر دانسته‌اند.

با توجه به مبانی نظری موجود و نتایج پژوهش‌هایی که در راستای کشف علل و عوامل طلاق عاطفی همسران صورت گرفته، می‌توان اختلال سازمان روابط همسران را که برخاسته از اختلال در نظام خانواده (فقدان شکل‌گیری مرزها یا شکل‌گیری مرزهای ناسالم و نامتعادل) است، یکی از عوامل مهم پدیدآمدن طلاق عاطفی به شمار آورد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های متعددی رابطه مثبت میان کیفیت کارکرد نظام خانواده و رضایت زناشویی را نشان می‌دهد. بررسی آموزه‌های اسلام درباره ابعاد گوناگون بنیان خانواده، پیش و پس از ازدواج، نشان می‌دهد که تمهیدات و توصیه‌های اسلامی بر محور پایداری و رضایت زناشویی استوار شده است (پسندیده، ۱۳۹۱). خانواده‌ای که در آن زن و شوهر با هم تفاهم و توافق دارند و میان‌نشان رضایت وجود دارد، کنش‌وری بهتری دارند و نقش‌ها و تکالیفشان را بهتر ایفا می‌کنند (بخشی و همکاران، ۲۰۰۷). رضایت زناشویی مهم‌ترین شاخصه سطح و کیفیت رضایت همسران از کارکرد رابطه زناشویی است. رضایت زناشویی احساس پایدار ذهنی و خلقی شادی و شادکامی هر فرد از رابطه است که از قضاوت



هر یک از زوجین با در نظر گرفتن همه جنبه‌های جاری زندگی و داده‌ها و ستانده‌های آن تجربه می‌شود. در این وضعیت، همسران معتقدند در بسیاری از امور زندگی توافق دارند و طرف مقابل نیازهایشان را به نحو مطلوبی ارضا می‌کند (عاشوری و منشی، ۱۳۹۲).

رضایت زناشویی به عنوان متغیری مهم در گستره زندگی مشترک همواره از عوامل گوناگونی در درون و بیرون خانواده متأثر است و خود نیز می‌تواند بر برخی از جنبه‌های زندگی همسران تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. از این‌رو رضایت زناشویی را می‌توان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفت که ممکن است در رابطه میان دیگر متغیرهای خانواده، نقش میانجی را بازی کند. برخی از تحقیقات درباره عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، به عوامل اجتماعی (برون‌سیستمی) و برخی دیگر به عوامل درون‌خانوادگی و ارتباطی اشاره کرده‌اند. رضایت زناشویی بر احساس نزدیکی یا دوری همسران از یکدیگر مؤثر است. همسرانی که از کلیت رابطه‌شان راضی هستند و احساس می‌کنند به اهدافشان در زندگی مشترک دست یافته‌اند، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری دارند و در احساسات و دغدغه‌های یکدیگر مشارکت می‌کنند و در ارضای نیازهای هم حساسیت مطلوبی دارند. انواع کارکردهای متنوع و پیچیده خانواده (احمدی، ۱۳۹۰) نشانگر آن است که چگونگی شکل‌گیری و حیات خانواده، مهم‌ترین عامل رضایت یا نارضایتی کلی از زندگی است و رضایت زناشویی متغیر مهمی در پیش‌آگهی دوام و کیفیت رابطه همسران به شمار می‌رود. جدیری و رسول‌زاده طباطبایی با بررسی رابطه میان رضامندی زناشویی و ثبات هیجانی همسران، به این نتیجه رسیدند که این دو متغیر رابطه معناداری نشان می‌دهند و هر چقدر رضامندی زناشویی بالاتر باشد، ثبات هیجانی زوجین (که نقش مهمی در ثبات و استحکام زندگی مشترک و دورشدن از طلاق عاطفی دارد) بالاتر است. اکرامی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی رابطه میان مهرورزی و رضایت زناشویی در دانشجویان خانم متأهل مؤسسه آموزش عالی حکمت رضوی، به وجود رابطه معنادار میان این دو متغیر اذعان کرده‌اند. نیز دانش و حیدریان (۱۳۸۵) در تحقیقشان به رابطه مثبت علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم دست پیدا کرده‌اند. چراغی و همکاران (۱۳۹۴) سطح رضایت از زندگی زوجین را بر اساس کیفیت مرزگذاری و ارتباط آنها با دو خانواده اصلی سنجیده و کیفیت این رابطه را بر سطح رضایت زناشویی مؤثر دانسته‌اند. ملکی‌ها و همکاران (۱۳۹۲) تعارض مدیریت کار - خانه (مرزهای درونی و بیرونی) را بر سطح رضایت زناشویی همسران مؤثر معرفی کرده‌اند. عاشوری و منشی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با استفاده از

روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل، اثربخشی تغییر ساختار خانواده بر رضایت زناشویی را تأیید کردند. جان‌بزرگی (۱۳۹۵) در پژوهش مداخله‌ای خود بر روی ۴۰ زوج، تأثیر خانواده‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده را بررسی کرد و به تأثیر معنادار تغییر ساختار خانواده بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده دست یافت.

بر اساس مبانی نظری و تحقیقات صورت‌گرفته، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای رضایت از زندگی در رابطه میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی است. ضرورت پرداختن به این مسئله از آن‌رو است که امروزه در کشور ما نهاد خانواده به علل گوناگون زیر فشار عوامل درون‌سیستمی و برون‌سیستمی است. آمار بالای طلاق، خیانت و خشونت‌های خانگی لزوم پژوهش درباره زمینه‌ها و عوامل آسیب‌زا را موجه می‌کند. بدین منظور کشف متغیرهای میانجی که به مثابه مجرای عبور تأثیرات از علل و عوامل به سوی معلول‌ها عمل می‌کند و در پدیدآیی نابهنجاری‌ها نقش کاتالیزور را دارد، اهمیت می‌یابد. زیرا در شناسایی و درمان اختلال هر پدیده یا سازمان، توجه به حلقه‌های پنهان فرآیند کنش‌وری ناسالم، ضروری به نظر می‌رسد.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که رضایت از زندگی نقش رابطه میان آسیب‌مرزهای خانواده و طلاق عاطفی را میانجی‌گری می‌کند. نوآوری این پژوهش در سه مؤلفه است: ۱. بررسی هم‌زمان روابط سه متغیر مرزهای خانواده و رضایت زناشویی و طلاق عاطفی؛ ۲. بررسی نقش میانجی‌گری رضایت زناشویی میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی؛ ۳. استفاده از پرسش‌نامه‌های اسلامی مرزهای خانواده و رضایت زناشویی. برای رسیدن به هدف اصلی و بررسی فرضیه فوق لازم است فرضیات فرعی دیگری نیز مطالعه و بررسی شود که عبارت‌اند از: ۱. میان مرزهای خانواده و رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود دارد؛ ۲. میان رضایت از زندگی و طلاق عاطفی رابطه معنادار وجود دارد؛ ۳. میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در پی مطالعه همبستگی میان دو متغیر و بررسی نقش میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر است. لذا این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان ایرانی متأهلی است که حداقل ۵ سال از ازدواجشان گذشته باشد. با توجه به ماهیت همبستگی پژوهش، با استفاده از فرمول تعیین تعداد نمونه در تحقیقات همبستگی (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷) و با عنایت به وجود دو متغیر پیش‌بین در تحقیق، حداقل نمونه لازم برای



این تحقیق ۱۰۶ نمونه است. به منظور اطمینان از دسترسی به تعداد نمونه لازم و کاهش آثار ناشی از ناپایایی ابزارها، ۳۵ درصد به تعداد نمونه افزوده شد. بنابراین، تعداد ۱۴۴ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی از روش چهارمرحله‌ای بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) استفاده شده است. بر اساس این روش، در صورتی که ارتباط بین متغیر پیش‌بین (مرزهای خانواده) و ملاک (طلاق عاطفی) و ارتباط بین متغیر پیش‌بین (مرزهای خانواده) و میانجی (رضایت زناشویی) و ارتباط بین متغیر میانجی (رضایت زناشویی) و ملاک (طلاق عاطفی) معنادار باشد و با ورود متغیر میانجی به مدل، ضریب رگرسیون متغیر پیش‌بین غیرمعنادار شود، می‌توان نقش واسطه‌ای کامل متغیر میانجی را نتیجه گرفت. برای گردآوری داده‌های پژوهش از ابزارهای ذیل استفاده شده است:

پرسش‌نامه مرزهای خانواده: پرسش‌نامه ۱۶۴ سؤالی مرزهای خانواده را هوشیاری بر اساس آموزه‌های اسلامی در سال ۱۳۹۹ ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده و دارای پنج مرز مرتبه اول، ۱۵ مرز مرتبه دوم و ۶۴ مرز مرتبه سوم است. مرزهای مرتبه اول عبارت‌اند از: مرزهای عام، مرزهای درونی زوجینی، مرزهای درونی والدینی، مرزهای درونی خواهران - برادران و مرزهای برونی خویشاوندی. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید شد و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۷۵، برای مرزهای عام ۰/۸۸۴، برای مرزهای زوجینی ۰/۹۲ و برای مرزهای والدینی ۰/۹۲۵، و برای مرزهای خواهران - برادران ۰/۷۸۹ و برای مرزهای بیرونی ۰/۷۶۱ محاسبه شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسش‌نامه و مرزهای خانواده است. نمره‌گذاری گویه‌های این پرسش‌نامه به صورت لیکرت چهاردرجه‌ای است. بدین‌صورت که به «اصلاً - بسیار کم» نمره ۱، «کم» نمره ۲، «زیاد» نمره ۳ و «بسیار زیاد - همیشه» نمره ۴ اختصاص می‌یابد (هوشیاری، ۱۳۹۹).

پرسش‌نامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی: پرسش‌نامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی را جدیری در سال ۱۳۹۶ طراحی کرده است. این پرسش‌نامه دارای دو بخش شخصیتی و مهارت‌های زناشویی و پنجاه پرسش است. بخش مهارت‌های زناشویی دارای شش عامل ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت، ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی، ارتباط جنسی، پای‌بندی مذهبی، رفت و آمد

1. Baron, R. M.; Kenny, D. A

فامیلی، و مدیریت مالی است. پایایی این بخش از پرسش نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۸ است. بخش شخصیتی نیز دارای سه عامل روان آزرده خویی، همراه یا موافق و بدبین یا پارانو یا گونه است. پایایی این بخش از پرسش نامه بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ است. روایی پرسش نامه با استفاده از تحلیل عاملی بررسی شده و نتایج تحلیل عاملی روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است (جدیری و همکاران، ۱۳۹۶).

پرسش نامه طلاق عاطفی: این پرسش نامه را عبدی در سال ۱۳۹۲ طراحی کرده و اعتباریابی شده است. این پرسش نامه به صورت تک مؤلفه‌ای است و ۲۴ گویه دارد که آزمودنی باید یکی از پاسخ‌های (بله یا خیر) را انتخاب کند. روایی محتوایی پرسش نامه با بررسی نظر متخصصان تأیید شد. برای بررسی پایایی پرسش نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب مذکور برای کل پرسش نامه ۰/۹۲۵ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

۵۳/۹ درصد (۷۹ نفر) از پاسخ‌گویان، مرد و ۶۵ نفر (۴۶/۱ درصد) زن بوده‌اند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۴۰ سال با انحراف معیار ۵/۷۰ است. تحصیلات ۱۱/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد دیپلم و تحصیلات ۵ درصد پاسخ‌گویان تا حد کاردانی است. پاسخ‌گوانی که دارای تحصیلات کارشناسی یا سطح دو بوده‌اند، ۲۹/۸ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. پاسخ‌گویان با تحصیلات کارشناسی ارشد یا سطح سه، ۴۴ درصد از کل پاسخ‌گویان را شامل شده‌اند. ۹/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز دارای تحصیلات سطح چهار یا دکتری بوده‌اند. میانگین مدت زمان تأهل پاسخ‌گویان ۱۷/۱ سال با انحراف معیار ۶/۴۷ است. در خانواده‌های بررسی شده ۹۵ درصد مردان و ۱۳/۵ درصد زنان شاغل بوده‌اند. در جدول ۱ آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق درج شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق (N = ۱۴۴)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	مرزهای خانواده	رضایت زناشویی
مرزهای خانواده	۵۳۵/۹	۴/۹۰	- ۰/۹۸۲	۱/۸۷۶	۱	
رضایت زناشویی	۲۰۲/۳	۱۳/۵۳	- ۱/۳۰۸	۱/۳۰۵	۰/۶۷۸**	۱
طلاق عاطفی	۲۷/۵	۷/۱۰	۱/۹۲۱	۰/۹۱۵	۰/۴۲۲**	۰/۶۰۱**

میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در جدول ۱ درج شده است. میزان کجی و کشیدگی



متغیرهای تحقیق بین ۲ - و ۲+ است. بنابراین، می‌توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن است. ضریب همبستگی طلاق عاطفی با رضایت زناشویی و مرزهای خانواده منفی و معنادار است. به عبارتی، افزایش نمره طلاق عاطفی در پاسخ‌گویان با کاهش نمره مرزهای خانواده و رضایت زناشویی همراه بوده است و برعکس، کسانی که از نمره مرزهای خانواده و رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بوده‌اند، در متغیر طلاق عاطفی نمره کمتری داشته‌اند. ضریب همبستگی مرزهای خانواده و رضایت زناشویی مثبت و معنادار است. به عبارتی، کسانی که در متغیر مرزهای خانواده نمره بیشتری داشته‌اند، در رضایت زناشویی هم از نمره بیشتری برخوردار بوده‌اند و برعکس کسانی که در یکی از این دو متغیر مقدار کمتری داشته‌اند در متغیر دیگر نیز نمره کم کسب کرده‌اند.

برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون خطی استفاده شده است. لذا به منظور بررسی پیش‌فرض‌های رگرسیون خطی، نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های رگرسیون با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف ($P = ۰/۲$ ، $K-S = ۰/۰۷۲$) تأیید شد. همچنین، با توجه به اینکه عامل تورم واریانس (VIF) همه متغیرهای پیش‌بین نزدیک به یک است، فقدان هم‌خطی چندگانه نیز تأیید شد.

جدول ۲: نتایج رگرسیون‌ها برای بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی

مدل	متغیر ملاک	متغیر(های) پیش‌بین	ضریب بتا	T	سطح معناداری
۱	طلاق عاطفی	مرزهای خانواده	- ۰/۴۲۲	- ۵/۴۶۵	۰/۰۰۰۱
۲	رضایت زناشویی	مرزهای خانواده	۰/۶۷۸	۱۰/۸۷۳	۰/۰۰۰۱
۳	طلاق عاطفی	رضایت زناشویی	- ۰/۶۰۱	- ۸/۸۳۷	۰/۰۰۰۱
۴	طلاق عاطفی	مرزهای خانواده	- ۰/۰۲۴	- ۰/۲۵۸	۰/۷۹۷
		رضایت زناشویی	- ۰/۵۸۵	- ۶/۲۸۰	۰/۰۰۰۱

نتایج رگرسیون‌ها نشان می‌دهد بین متغیر پیش‌بین (مرزهای خانواده) و متغیر ملاک (طلاق عاطفی) رابطه منفی معناداری وجود دارد. بنابراین، اولین فرضیه تحقیق تأیید شد. بین متغیر میانجی (رضایت زناشویی) و متغیر پیش‌بین (مرزهای خانواده) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که تأییدکننده دومین فرضیه تحقیق است. بین متغیر ملاک (طلاق عاطفی) و متغیر میانجی (رضایت زناشویی) رابطه منفی معناداری وجود دارد. لذا سومین فرضیه تحقیق نیز تأیید شد. با در نظر گرفتن متغیر رضایت زناشویی به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین متغیرهای مرزهای خانواده و طلاق عاطفی، معناداری ارتباط بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی از بین رفته است. بنابراین، می‌توان گفت متغیر رضایت زناشویی توانسته است به صورت کامل در رابطه بین دو متغیر مرزهای

خانواده و طلاق عاطفی به عنوان متغیر میانجی، نقش داشته باشد. لذا چهارمین فرضیه تحقیق نیز تأیید شده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی در زنان و مردان متأهل که حداقل ۵ سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد، انجام شد. برای دستیابی به این هدف و زمینه‌سازی برای تبیین آن باید رابطه زوجی سه متغیر مطالعه و بررسی شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد. به این معنا که هر چه نمره آزمودنی در پرسش‌نامه مرزهای خانواده بالاتر باشد، میزان طلاق عاطفی کاهش می‌یابد و هر چه نمره او در آزمون مرزها پایین‌تر باشد، میزان طلاق عاطفی افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های شناگویی و همکاران (۱۳۹۰)، شاهسوار و کچویی (۱۳۹۸)، علاقیند و همکاران (۱۳۹۹)، عاشوری و منشئی (۱۳۹۲)، خاک‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، شیرزادی و همکاران (۱۳۹۷)، محمودیان و حیدری (۱۳۸۷) و سیدمحرمی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت بر اساس نظام حقوقی اخلاقی اسلام که بر بنیاد جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی توحیدی بنا شده، مرزها، قواعد و نقش‌هایی که خداوند حکیم برای اعضای خانواده مقرر فرموده، ضمن ابتدا بر واقعیت‌های وجودی و روان‌شناختی انسان، تأمین‌کننده همه نیازهای مادی و معنوی اعضای خانواده است (مطهری، ۱۳۷۳). از این‌رو میزان و کیفیت رعایت و اهتمام به مرزها، قواعد و تکالیف عقلی، شرعی و طبیعی خانواده، از طریق مراعات قواعد الزامی و غیرالزامی اسلامی، موجب می‌شود نیازها و ارزش‌های هر یک از اعضای خانواده، به‌ویژه همسران، به صورت مطلوبی برآورده شود و این، جدایی و بی‌میلی روان‌شناختی (طلاق عاطفی) از همسر یا رابطه مشترک را کاهش می‌دهد (هوشیاری، ۱۳۹۹). قرآن کریم رعایت حدود و ارزش‌های الهی را موجب رستگاری و پاداش بزرگ در دنیا و آخرت می‌داند (نساء: ۱۳)^۱، همچنان که اعراض و بی‌اعتنایی به حدود و مرزهای الهی را موجب پدیدآمدن زندگی تنگ و

۱. ﴿لَكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.

دشوار معرفی کرده (طه: ۱۲۴) ^۱ و کسانی را که از مرزهای الاهی تجاوز کنند، به عذابی خوارکننده وعده می‌دهد (نساء: ۱۴). ^۲ از نگاه قرآن کریم، رعایت نکردن حدود الاهی در واقع ستم‌کردن انسان به خویشتن است (طلاق: ۱)؛ چراکه او را از بهره‌مندی از فرصت‌ها، امکانات و مزایای نهفته در آن محروم می‌کند؛ در حالی که رعایت حدود الاهی زندگی را شیرین، گوارا و مقرون به شادکامی و موفقیت کرده، به انسان کمک می‌کند تا اهداف بلند و متعالی‌اش را محقق کند. نگاه معطوف به قداست و احترام زن و مرد به یکدیگر و به نهاد خانواده و تعهد دینی درباره رعایت حقوق و تکالیفی که خداوند در قبال هم به عهده‌شان قرار داده است، آن هم از خاستگاه ایمان به خدا و ارزش‌های دینی، گرمی، صمیمیت، تعهد انسانی مخصوصی را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را برای خدمت بی‌منت و اهتمام مسئولیت‌پذیرانه درباره حقوق هم مهیا می‌کند. چنین نگرش و سبک رفتاری، شیرینی رضایت و احساس خوش‌بختی را برای همه اعضا به ارمغان می‌آورد (پسندیده، ۱۳۹۱). مهم‌ترین ویژگی انسان‌های مؤمن، مسئولیت‌پذیری (توبه: ۷۱) ^۳ و امانت‌داری (نساء: ۵۸) ^۴ است و این دو خصلت نیک اخلاقی زمینه لازم برای احساس تعهد و اهتمام‌ورزیدن به همسر را فراهم می‌کند. مؤمنان موظف‌اند در امور اجتماعی خویش کارها را با مشورت (شوری: ۳۸) ^۵ و در امور خانوادگی با تشاور و تراضی (بقره: ۲۳۳) ^۶ حل و فصل کنند و در هنگام اختلاف به قرآن و سنت پیامبر رجوع کنند (نساء: ۵۹) ^۷ و به حکم خداوند و پیامبر راضی باشند (نساء: ۶۵؛ احزاب: ۳۶). ^۸ از این‌رو جریان زندگی در خانواده به صورت روان و مطلوب به پیش می‌رود و به جدایی عاطفی و سرخوردگی همسران منتهی نمی‌شود. بدیهی است که حرکت برخلاف سنت‌ها و احکام الاهی، معیشت تنگ و دشواری را رقم خواهد زد (طه: ۱۲۴) که جز دلسردی، ناامیدی و جدایی عاطفی

۱. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

۲. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِئًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ».

۳. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا».

۵. «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ».

۶. «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا».

۷. «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ».

۸. «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

۹. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ».

نتیجه‌ای نخواهد داشت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که میان متغیر میانجی (رضایت زناشویی) و متغیر پیش‌بین (مرزهای خانواده) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که تأییدکننده دومین فرضیه تحقیق است. این یافته با نتایج جدیری و همکاران (۱۳۹۶)، عاشوری و منشی (۱۳۹۲)، جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، حیدری خورمیزی و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۹۸)، سیدمحرمی و همکاران (۱۳۹۵)، چراغی و همکاران (۱۳۹۴)، پورمیدانی و همکاران (۱۳۹۳)، مشیریان فراچی و همکاران (۱۳۹۵)، برج‌علی و همکاران (۱۳۹۷) و هوشیاری و حلیمی (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت رضایت زناشویی محصول کارکرد و کارآمدی خانواده (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲) و کیفیت رابطه میان همسران است؛ وقتی هر دو زوج بر مرزهای معین و مشخص شده از جانب خداوند توافق داشته باشند و خود را به رعایت قواعد الهی پای‌بند بدانند و در این زمینه به خدا اعتماد کنند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳)^۱ همواره به رعایت حقوق دیگری و تأمین نیازهای او اهتمام می‌ورزند و انتظارات نابجا و نیازهای کاذب کاهش می‌یابد و سطح رضایت‌مندی هر دو از رابطه مشترک بیشتر می‌شود. قرآن کریم ایمان به خدا و ارزش‌های متعالی و رعایت تقوا، یعنی همان پاس‌داشت حدود و مرزهای الهی، را عامل سعادت و خوش‌بختی فرد و جامعه می‌داند (اعراف: ۹۶).^۲ کسانی که به خداوند و حقایق هستی و ارزش‌های اصیل ایمان آورند و با رعایت مرزهای الهی در همه سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی و ابعاد مادی و معنوی زندگی عمل صالح را تجلی بخشند، به رضایت و خرسندی از خود و خدا نائل می‌شوند و خداوند نیز از آنها در دنیا و آخرت خشنود خواهد شد (بینه: ۷-۸؛ بقره: ۶۲).^۳ پاس‌داشت مرزهای درونی خانواده، اعم از الزامی و غیرالزامی، ضامن ارضای نیازهای همسران و دیگر اعضای خانواده است و انسان با تأمین بهینه نیازهای زیستی و روان‌شناختی، به آرامش و رضایت خاطر دست می‌یابد (روم: ۲۱)^۴ و فرصت شکوفاکردن نیازهای وجودی متعالی‌تر را به دست می‌آورد.

۱. امام علی علیه السلام: «اصل الرضا حسن الثقة بالله».

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».

۳. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ».

۴. «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

۵. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که میان متغیر ملاک (طلاق عاطفی) و متغیر میانجی (رضایت زناشویی) رابطه منفی معناداری وجود دارد. لذا سومین فرضیه تحقیق نیز تأیید شد. این یافته با نتایج تحقیق جدیری و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۹)، قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، صباغی و همکاران (۱۳۹۶)، باستانی و همکاران (۱۳۹۸) و رشید و مرادی (۱۳۹۶) همخوان و سازگار است. در تبیین این یافته باید گفت رضایت از زندگی مهم‌ترین عامل انگیزشی برای علاقه زوجین به استمرار ارتباط و زندگی مشترک است. رضایت خاطر مهم‌ترین مطلوب انسان است؛ آنچنان که امام علی علیه السلام رضایت و خرسندی را بهترین همنشین انسان معرفی فرموده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۶).^۱ انسان همواره به دنبال رضایت خاطر است و آن را در هر چیز بیابد به آن دل بسته و علاقه‌مند می‌شود. رضایت خاطر غم و اندوه را از بین می‌برد (همان)^۲ و شادی و احساس خوش‌بختی را، هرچند دروغین، پدید می‌آورد (یونس: ۷). رضایت زناشویی که ادراک و احساس سودمندی رابطه همسری و خوش‌بختی در آن به شمار می‌رود، مهم‌ترین متغیر پیش‌بین استحکام، تداوم و پایداری رابطه و میل متقابل همسران است. طبیعی است که هر گاه ادراک یا احساس یکی یا هر دو زوج از ناسودمندی رابطه و ارضانشدن نیازهایشان حکایت کند، سطح رضایت‌مندی کاهش می‌یابد و دلسردی، بی‌میلی به طرف مقابل، بی‌انگیزگی برای تلاش و میل به کناره‌گیری و فرار از رابطه جای آن را پُر می‌کند. البته این حالت در اوضاع و احوال مختلف، اشخاص و موقعیت‌های گوناگون ممکن است شدت یا ضعف داشته باشد، اما هر چه احساس رضایت از رابطه کاهش یابد، میل به کناره‌گیری و فرار از رابطه بیشتر می‌شود. بنابراین، هر چه میزان رضایت از زندگی افزایش یابد، احتمال اینکه همسران به طلاق عاطفی گرفتار شوند کاهش می‌یابد. از این‌رو در توصیه‌های پیشوایان دین بر ایجاد رضایت در فضای رابطه همسران تأکید شده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۶).^۳ همچنان که بر اکرام، احترام، شکیبایی در برابر آزارهای همسر، به زن و مرد و ابراز محبت، تأمین نیازهای مادی، یاری‌کردن به او در امور زندگی، هدیه‌دادن، سخاوت‌ورزیدن، خوش‌رویی و مدارای با زنان به مردان سفارش بسیار شده است (همان) که یقیناً همه اینها در افزایش میزان رضایت‌مندی زناشویی و کاهش طلاق عاطفی مؤثر است.

۱. امام علی علیه السلام: «نعم القرین الرضا».

۲. امام علی علیه السلام: «الرضا یبفی الحزن».

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «و طوبی لامرأة رضی عنها زوجها».

یافته دیگر پژوهش این است که با در نظر گرفتن متغیر رضایت زناشویی به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین متغیرهای مرزهای خانواده و طلاق عاطفی، معناداری ارتباط بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی از بین رفته است. بنابراین، می‌توان گفت متغیر رضایت زناشویی توانسته است به صورت کامل در رابطه بین دو متغیر مرزهای خانواده و طلاق عاطفی، به عنوان متغیر میانجی، نقش داشته باشد. بنابراین، چهارمین فرضیه تحقیق نیز تأیید شده است. این یافته با نتایج تحقیق جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، نامنی و ده‌مرده (۱۳۹۹)، عاشوری و منشی (۱۳۹۲)، شاهسوار و کچویبی (۱۳۹۸) و خاک‌پور و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی نشان می‌دهد. در تبیین این یافته می‌توان گفت وجود مرزهای روشن، توافق‌شده، کارآمد و مبتنی بر ارزش‌های الهی، از طریق قواعد دینی و ضمانت‌شده از طرف خداوند متعال و با انگیزه معنوی و ایمانی در زوجین، عملکرد کلی خانواده را ارتقا می‌دهد و به اعضای خانواده برای دست‌یافتن به بسیاری از اهداف مشترک و اختصاصی یاری می‌رساند. این، خود عامل مهم و اساسی در افزایش رضایت زناشویی و متعاقب آن کاهش انزوا، بی‌میلی، بی‌انگیزگی و سردی روابط درون‌خانوادگی، خصوصاً میان همسران، است. معمولاً علت اصلی پدیدآمدن طلاق عاطفی، ناکامی زوجین یا یکی از آنان در دستیابی به اهداف، ارضای نیازها و احساس سودمندی در رابطه است. این ناکامی به تدریج سطح رضایت‌مندی زناشویی را کاهش می‌دهد و انگیزه تلاش برای پویا نگه‌داشتن و استحکام رابطه عاطفی و معنوی زوجین را از آنها می‌ستاند. بنابراین، به هم‌ریختگی مرزهای خانواده، چه به سبب توافق‌نداشتن زوجین بر مرزهای مشترک و چه به علت فقدان پای‌بندی یا ضعف پای‌بندی به قواعد، سطح کنش‌وری خانواده را کاهش می‌دهد و اعضا را در رسیدن به اهداف و ارزش‌هایشان ناکام می‌گذارد. این ناکامی به تدریج بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد و گسست عاطفی، ذهنی و ارتباطی همسران و در یک کلام، طلاق عاطفی را، رقم می‌زند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و تأیید روابط مستقیم و غیرمستقیم موجود میان متغیرهای پژوهش، می‌توان گفت بازسازمان‌دهی و چابک‌سازی مرزهای خانواده و بهبودبخشیدن به سازوکارهای روابط درون‌ساختاری اعضای آن، افزایش رضایت زناشویی را موجب می‌شود. از سوی دیگر، افزایش سطح رضایت زناشویی به کاهش طلاق عاطفی و افزایش میل مثبت، خلق مثبت و کنش‌وری سازنده و فعال زوجین در جهت پویایی روابط کمک می‌کند. از این‌رو برای کاهش طلاق عاطفی در میان زوجین، افزایش رضایت زناشویی ضروری است و باید با به‌کارگیری



همه سازوکارهای ضروری، از جمله بازسازمان‌دهی و سالم‌سازی مرزهای خانواده، بازتعریف و بازتعیین قواعد و تکالیف اعضا و آموزش مهارت‌های گوناگون ارتباطی، که حفظ مرزها و رعایت قواعد را تسهیل می‌کند، به افزایش رضایت زناشویی همت گماشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۶). ترجمه: مکارم شیرازی، تهران: دارالقرآن الکریم.
- احمدی، علی‌اصغر (۱۳۹۰). روان‌شناسی روابط درون خانواده، تهران: انتشارات مهدی رضایی.
- اکرامی، کوروش؛ قنبری، حمیدرضا (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین مهرورزی و رضایت زناشویی در دانشجویان خانم متأهل مؤسسه آموزش عالی حکمت رضوی»، در: مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۴۵، ص ۵۷ - ۶۴.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، در: بررسی مسائل اجتماعی، ش ۳، ص ۱ - ۲۰.
- بالاگیری، محدثه؛ حسینی، سعیده سادات (۱۳۹۸). «ارائه الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه»، در: پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ش ۳۶، ص ۲۹ - ۵۳.
- برج‌علی، احمد؛ سهرابی، فرامرز؛ اسکندری، حسین؛ معتمدی، عبدالله؛ فلاح، احمد (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با رضایت زناشویی با واسطه‌گری خوش‌بینی»، در: مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۲۲، ص ۳۹ - ۷۰.
- برزین، هادی؛ بهرامی، هادی (۱۳۹۶). «مقایسه طلاق عاطفی و رضایت زناشویی در زنان شاغل و غیرشاغل»، در: تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۲۵، ص ۵۷ - ۶۷.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۱). رضایت زناشویی، قم: دارالحدیث.
- پورمیدانی، سمیه؛ نوری، ابوالقاسم؛ شفتی، سید عباس (۱۳۹۳). «رابطه سبک زندگی و رضایت از زندگی»، در: خانواده‌پژوهی، ش ۳۹، ص ۳۳۱ - ۳۴۴.
- ثناگوی، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ مهدویان، علی‌رضا (۱۳۹۰). «رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضایت زناشویی»، در: مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۵، ص ۵۷ - ۷۷.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). «اثر خانواده‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده: الگوی مهر و قدرت»، در: پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۴، ص ۶ - ۳۸.

جدیری، جعفر؛ رسولزاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۹). «بررسی رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی»، در: روان‌شناسی دین، س ۳، ش ۳، ص ۱۹ - ۳۸.

جدیری، جعفر؛ فتحی آشتیانی، علی؛ موتابی، فرشته؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۶). «اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی»، در: مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۱۱، ش ۲۰، ص ۷ - ۳۶.

چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره سادات؛ سلمانی، خدیجه (۱۳۹۴). «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی»، در: راهبرد فرهنگ، ش ۳۱، ص ۹۹ - ۱۲۶.

حسینی جلی، سید میرصالح؛ نوری، نجیب‌الله؛ گل‌براری، مجتبی (۱۳۹۸). «پیش‌بینی عوامل صمیمیت زوجین بر اساس پای‌بندی به اخلاق اسلامی همسران»، در: پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، س ۲، ش ۲، ص ۷ - ۲۳.

حیدری خورمیزی، سید حسین؛ احمدی، محمدرضا؛ نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۹۵). «رابطه پای‌بندی مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام با رضامندی زناشویی و کارآمدی خانواده»، در: پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، س ۴، ش ۷، ص ۴۳ - ۵۴.

خاک‌پور، ایمان؛ نظری، علی محمد؛ زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). «نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در زندگی زناشویی»، در: فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۳۰، ص ۷ - ۲۶.

دانش، عصمت؛ حیدریان، مریم (۱۳۸۵). «رابطه علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم»، در: پژوهش‌های مشاوره، ش ۱۸، ص ۵۹ - ۷۶.

رشید، خسرو؛ مرادی، آزاده (۱۳۹۶). «تعیین نقش متغیرهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی»، در: پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ش ۱۰، ص ۱۳۳ - ۱۵۵.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۱). «مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر»، در: روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۳۱، ص ۹۲ - ۱۱۰.

سیدمحرمی، ایمان؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی؛ اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد (۱۳۹۵). «اثربخشی مشاوره گروهی به روش ساختاری بر عملکرد خانواده و رضایت زناشویی»، در: پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، س ۶، ش ۲، ص ۶۳ - ۷۸.



- شاهسوار، محبوبه؛ کجویی، فرزانه (۱۳۹۸). «پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مرزهای بیرونی و خردمندی زوجین»، در: پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، س ۲، ش ۳، ص ۳۵ - ۵۴.
- شیرزادی، شاداب؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۳۹۷). «مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی بوئن و مینوچین بر کاهش طلاق عاطفی و بهبود کیفیت زندگی زوجین مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت»، در: تحقیقات مدیریت آموزشی، ش ۳۵، ص ۲۵ - ۴۰.
- صباغی، فاطمه؛ صالحی، کیوان؛ مقدم‌زاده، علی (۱۳۹۶). «ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی»، در: پژوهش‌های مشاوره، ش ۶۲، ص ۶ - ۳۱.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۲). «شاخص‌های خانواده کارآمد»، در: پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، س ۱، ش ۱، ص ۲۹ - ۵۸.
- عاشوری، جمال؛ منشنی، غلامرضا (۱۳۹۲). «اثربخشی خانواده‌درمانی بر سطح رضایت زناشویی زنان»، در: زن و مطالعات خانواده، ش ۱۹، ص ۱۳۳ - ۱۴۲.
- عبدی، کفایت (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین فرسودگی شغلی و طلاق عاطفی بین مدیران سازمان صنعت و معدن و تجارت استان هرمزگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان.
- علاقبند، لیلا؛ پاشاشریفی، حسن؛ فرزاد، ولی‌الله؛ آقاییوسفی، علی‌رضا (۱۳۹۹). «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری»، در: علوم روان‌شناختی، دوره ۱۹، ش ۹۰، ص ۷۳۳ - ۷۴۳.
- قلی‌زاده، آذر؛ بانکی‌پور فرد، امیرحسین؛ مسعودی‌نیا، زهرا (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق‌گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق»، در: جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۶، ش ۵۷، ص ۳۹ - ۶۴.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۸). خانواده‌درمانی، ترجمه: حمیدرضا شاهی پرواتی و دیگران، تهران: نشر روان.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). منتخب میزان الحکمة، تلخیص: سید حمید حسینی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- محمودیان، طاهره؛ حیدری، پردیس (۱۳۸۷). «بررسی عملکرد خانواده‌های عادی و خانواده‌های متقاضی طلاق»، در: زن و مطالعات خانواده، ش ۱، ص ۱۵۷ - ۱۸۸.

مشیریان فراچی، سید محمد مهدی؛ اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد؛ مشیریان فراچی، سیده مریم؛ رزاقی کاشانی، شمیم؛ توکلی، حامد (۱۳۹۵). «ارتباط نگرش مذهبی با میزان رضایت زناشویی، سلامت روان شناختی و تاب‌آوری در کارمندان زندان»، در: پژوهش در دین و سلامت، ش ۶، ص ۲۴ - ۳۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا.

ملکی‌ها، مرضیه؛ عابدی، محمدرضا؛ صباغیان، محمدرضا؛ جوهری، ایران؛ فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی آموزش مدیریت تعارض کار - خانواده بر رضایت زناشویی زنان شاغل دانشگاه اصفهان»، در: دستاوردهای روان‌شناختی، ش ۲، ص ۱۶۱ - ۱۷۸.

موسوی، سیده فاطمه؛ رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴). «مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی»، در: پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، س ۶، ش ۱، ص ۱۱ - ۲۳.

نامنی، ابراهیم؛ ده‌مرده، مریم (۱۳۹۹). «اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر راهبردهای مقابله‌ای، انسجام و انطباق‌پذیری خانواده در زوجین دارای نارضایتی زناشویی»، در: فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، س ۱۱، ش ۴۴، ص ۱۸۷ - ۲۱۸.

هوشیاری، جعفر (۱۳۹۹). تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و پرسش‌نامه سنجش آن، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعة المطفی العالمية.

هوشیاری، جعفر؛ حلیمی، معصومه (۱۳۹۸). «نقش واسطه‌ای سبک زندگی اسلامی در رابطه بین خوش‌بینی و شادکامی»، در: پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، س ۲، ش ۳، ص ۷۷ - ۱۰۲.

Bakhshi, H.; Asadpour, M.; Khodadadzadeh, A. (2007). "Correlation between Marital Satisfaction and Depression among Couples in Rafsanjan", in: *The Journal of Qazvin*, Vol. 11. No. 2, pp. 37 - 43.

Baron, R. M.; Kenny, D. A. (1986). "The Moderator-mediator Variable Distinction in Social Psychological Research: Conceptual, Strategic, and Statistical Considerations", in: *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 51, No. 6, pp. 1173 - 1182.

Goldenberg, H.; Goldenberg, I. (2012). *Family Therapy: An Over View*, Cengage Brain.

Tabachnick, B. G.; Fidell, L. S.; Ullman, J. B. (2007). *Using Multivariate Statistics*, Boston, MA: Pearson.

